



Structural semantics of the concept of courage in narrative sources*

Hussein Shirafkan ¹

Omid Nasiri ²

Majid Mohammadlu ³

Abstract

Courage is one of the moral virtues that mean bravery and in ethics it is referred to as the middle ground between temerity and fear. Given the importance of the issue of courage in human life and its great impact on his material and spiritual growth and excellence, the need to identify its semantic domain, especially within the limits of Islamic sources, is increasingly determined. Using a descriptive-analytical method and emphasizing the field of structural semantics, the present article intends to examine the meaning of the word courage in a systematic process; Based on the findings of this study, by examining the semantic scope and relations of coexistence and substitution of the word courage in religious sources, the concept of "courage" with a number of words such as "truth and honesty", "self-sacrifice", "rejection of humiliation", "ambitious", "mettle", "self-control", "humanity", "generosity", "patience" and "wisdom" are strongly related. The concepts of "victory", "virtue" and "endurance" also have a distributive relationship with the concept of "courage". Also, the concept of "courage" is in conflict with words such as "cowardice" and "lack of foresight". Therefore, through courage, one can strengthen those traits that are strongly related to this concept and avoid the negative impact of traits such as "cowardice" and "lack of foresight" that are in conflict with this trait.

Keywords: Structural Semantics, Semantic Components, Semantic Relationships, Courage.

*. **Date of receiving:** 4 March 2020, **Date of approval:** 22 September 2020.

1. Associate Professor of the Al-Mostafa International University: Shirafkan43@gmail.com

2. Master student of Quran and Hadith, Imam Sadegh (AS) University, Tehran, (Corresponding author) omidnasiri74@gmail.com

3. Master student of jurisprudence and basics of law, Imam Sadegh University, Tehran: m.mohammadlu73@gmail.com



معناشناسی ساختاری مفهوم شجاعت در منابع روایی*

حسین شیرافکن^۱ و امید نصیری^۲ و مجید محمدلو^۳

چکیده

شجاعت از فضائل اخلاقی است که به معنای دلیری آمده و در علم اخلاق از آن به عنوان حد وسط بی‌باکی و ترس یاد می‌شود. با توجه به اهمیت مسئله شجاعت در حیات بشر و اثرگذاری فراوان آن در رشد و تعالی مادی و معنوی او، بایستگی شناسایی حیطه معنایی آن، به خصوص در محدوده منابع اسلامی، بیش از پیش، معین می‌گردد. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تأکید بر حوزه معناشناسی ساختاری بر آن است که در یک فرایند منظم به بررسی شبکه‌ای معنای واژه شجاعت بپردازد. بر اساس یافته‌های این پژوهش با بررسی دامنه معنایی و روابط هم‌نشینی و جاننشینی واژه شجاعت در منابع دینی، مفهوم «شجاعت» با تعدادی از مفاهیم همچون «صدق و راستی»، «از خودگذشتگی»، «تن‌ندادن به ذلت»، «نام‌جویی»، «همت»، «غیرت»، «تسلط بر نفس»، «حمیت»، «بخشندگی»، «حلم» و «خردمندی» رابطه اشتدادی دارد. مفاهیم «نصرت»، «فضیلت» و «ایستادگی» نیز با مفهوم «شجاعت» رابطه توزیعی دارند. همچنین، مفهوم «شجاعت» با مفاهیمی مانند «جبن» و «عدم دوراندیشی» رابطه تقابلی دارد؛ لذا از طریق شجاعت می‌توان آن دسته از خصالت‌هایی که با این مفهوم رابطه اشتدادی دارند را تقویت و از آفت خصائصی چون «جبن» و «عدم دوراندیشی» که با این خصیصه رابطه تقابلی دارند در امان ماند.

واژگان کلیدی: روایت، شجاعت، معناشناسی، مؤلفه‌های معنایی، روابط معنایی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب جامعة المصطفی العالمیة قم: Shirafkan43@gmail.com.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (علیه السلام) تهران، (نویسنده مسئول):omidnasiri74@gmail.com.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه امام صادق (علیه السلام) تهران: m.mohammadlu73@gmail.com.



مقدمه

شجاعت واژه‌ای عربی و از ریشه «شجع» است که به معنی استواربودن و پابرجا بودن قلب در هنگام پدیدآمدن مصائب و سختی‌ها است^[۱] (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۷۳/۸). البته شجاعت غلط مشهور است و صحیح آن شجاعت بوده که مصدر می‌باشد و شجاع به ضم «ش» صحیح است. سید مرتضی در تبیین این فضیلت نفسانی چنین می‌گوید: «شجاعه قُوَّةٌ فِي الْقَلْبِ يَتَمَكَّنُ مَعَهَا تَحْمُلُ الْحَرْبَ وَ مَكَارَةَ الْحَرْبِ فِي حَالَةٍ لَا يُؤْمِنُ بِنَفْسِهَا عَلَى النَّفْسِ أَوْ عَلَى بَعْضِ أَطْرَافِهِ» (علم الهدی، رسائل، ۱۴۰۵: ۲۰۷). شجاعت در زمینه‌ها و عرصه‌های گوناگون فردی و اجتماعی نموده‌های فراوانی دارد؛ که مهم‌ترین آن، نمود این فضیلت نیکو در ساحت نفس آدمی است. فردی که این فضیلت ارزشمند در وجود او جلوه کند و بتواند بر هوای نفس خویش غلبه نماید، به بالاترین درجه این فضیلت دست یافته است؛ همچنان که رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «أَشَجُّ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ» (صدوق، امالی، ۱۳۷۶: ۲۱). البته افراط در شجاعت عامل انجام اعمال نامعقول و تفریط در آن منجر به خواری و حقارت می‌گردد.

شجاعت از منظر عالمان علم اخلاق به معنای اعتدال در قوه غضبیه است؛ به این معنا که فرمان‌بردار عقل بوده تا از انحراف به سمت افراط (بی‌باکی) و تفریط (ترس) مصون باشد. در همین راستا مرحوم فیض کاشانی بیان می‌کند: «فَضِيلَةُ الشُّجَاعَةِ الَّتِي هِيَ اسْتِقَامَةُ الْقُوَّةِ الْغَضَبِيَّةِ مِنْ غَيْرِ مِيلٍ إِلَى طَرَفِي إِفْرَاطِ التَّهَوُّرِ وَ تَفْرِيطِ الْجُبْنِ وَ انْقِيَادِهَا لِلْقُوَّةِ الْعَقْلِيَّةِ عَلَى يَسْرٍ وَ سُهُولَةٍ»؛ فضیلت شجاعت به معنای استقامت قوه غضبیه از انحراف به جانب افراط (تهور و بی‌باکی) و تفریط (ترس) است که با سهولت تحت فرمان قوه عاقله درآید (فیض کاشانی، مفاتیح الشرائع، ۱۴۰۱: ۱۶/۲). شجاعت نه فقط به معنی متعارف که بی‌باکی در برابر دشمن است، بلکه یکی از اصول سه‌گانه‌ی اخلاق اسلامی (در کنار حکمت و عفت طبق نظر مرحوم نراقی و یا اصول چهارگانه با افزودن عدالت طبق نظر مشهور) است که تنها یک صفت متعالی محدود به خود نیست؛ بلکه ریشه‌ی اوصاف والای دیگر و منشأ آثار و صفات مثبت فراوان است.

واژه شجاعت از جمله واژگانی است که در منابع دینی نیز بدان اشاره شده و دارای مراتب مختلفی بوده، به طوری که اهمیت هر مرتبه نسبت به مرتبه دیگر تمیز داده شده است؛ به عنوان مثال، در مسیر حرکت انسان به سوی هدف خلقت و دستیابی به مقام خلیفه‌اللهی دو دسته موانع بیرونی و درونی وجود دارد؛ از جمله موانع بیرونی می‌توان به ابلیس و دشمنان خارجی مانند کافران، مشرکان و ... اشاره کرد. به طور مثال در

خصوص دشمن خارجی قرآن کریم می فرماید: ﴿ولا يزالون يقاتلونكم حتى يردوكم عن دينكم ان استطاعوا﴾ (بقره: ۲۱۷)؛ و آنان پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند.

دشمن دیگر انسان شیطان است. قرآن کریم در این خصوص به انسان چنین هشدار می دهد: ﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ (اسراء: ۵۳)؛ و به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند که شیطان میانشان را به هم می زند؛ زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است. همچنین امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «لَا عَدُوٌّ يَحَارِبُهُ أَعْدَى مِنْ إِبْلِيسَ» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۳۸۶/۴)؛ یعنی انسان در جنگ، با دشمنی کینه تیزتر از شیطان روبه رو نیست.

در مرتبه دیگر، موانع درونی مهم ترین موانعی هستند که شجاعت در مقابل آن ها لازم است. نبی اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» (حافظ برسی، مشارق انوارالیقین، ۱۴۲۲: ۲۵)؛ یعنی دشمن ترین دشمن ها همین هوای نفس است و یا در جای دیگری می فرمایند: «جَاهِدُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تُجَاهِدُونَ أَعْدَاءَكُمْ» (مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴: ۳۲۰/۷)؛ یعنی همان طوری که شما با دشمن بیرونی می جنگید، باید با دشمن درونی که هوا و هوس است بجنگید داشتن شجاعت برای مقابله با هوای نفس و چیره شدن بر صفات ناپسند لازم است. معصومان علیهم السلام در این باره چنین فرموده اند: «عن الرسول صلی الله علیه و آله: اشجع الناس من غلب هواه» (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳۹۵/۴)؛ «شجاع ترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود غلبه نماید».

فضیلت شجاعت به معنای تام و کامل خود در وجود نبی اکرم صلی الله علیه و آله متجلی است به طوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله در همه جلوه ها و نمودهای آن بی نظیر هستند و نمونه های آن در سرتاسر زندگی ایشان مشاهده می گردد. آنجا که لازم به سخن گفتن بود حضرت بی پروا به بیان سخن پرداخته و در عرصه نبردهای نظامی حضور مؤثر داشته و خود جلودار سپاه بوده اند. امام حسین علیه السلام نیز که میوه ای برآمده از خاندان فضیلت و دارای همه فضایل پیامبران الهی و اهل بیت عصمت و طهارت است، با پیروی از پدران خویش از خواری و ذلت خودداری نمود و درس سربلندی، شهامت و دلیری را از کودکی تا لحظه شهادت به پیروانش آموخت. در زیارت نامه های متعدد به صفت شجاعت سیدالشهدا و یاران او اشاره شده است؛ از قبیل «بطل المسلمین»^[۲] (ابن مشهدی، المزار الکبیر، ۱۴۱۹: ۴۲۲)، «فرسان الهیجاء»^[۳] (مدرسی، علی الأکبر سلیل الحسین علیه السلام، ۱۹۱۸: ۲۹)، «لیوث الغابات»^[۴] (شهید اول، المزار، ۱۴۱۰: ۱۶۲) که آنان را با عنوانی مثل قهرمان مسلمانان، تک سواران نبرد، شیران بیشه شجاعت و ... ستوده اند.



پرسش اصلی این مقاله، این است که در حوزه معنایی شجاعت، چه روابطی بین مفهوم واژه شجاعت با سایر واژگان هم‌نشین و جانشین این واژه وجود دارد؟ تا با توجه به اینکه مسئله شجاعت در تعالی و رشد بشر در ابعاد گوناگون زندگی تأثیری فوق العاده دارد، ضرورت شناسایی حیطه کارکرد و شبکه معنایی این واژه در محدوده منابع اسلامی، بیش از پیش، معین گردد.

جهت‌گیری علمی این نوشتار، بر اساس روش توصیفی - تحلیلی است که بر پایه روش معناشناسی و با تکیه بر نظریه حوزه‌های معنایی انجام می‌گیرد. دانش معناشناسی با مطالعه علمی معنا سعی دارد تا به روابطی که میان واحدهای معنایی، یعنی: زوج‌های لفظ - معنا و یا روابط معنا - و معنا وجود دارد، دست یافته و توصیفی دقیق از این روابط ارائه کند. معناشناسی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که با شناسایی روابط معنایی بین مفاهیم مختلف و استخراج شبکه‌ای از معانی مرتبط، نقش بسزایی در حوزه مطالعات قرآنی دارد. این شاخه زبان‌شناسی از اسم یونانی sema به معنای «نشانه» و فعل semaino به معنای «علامت‌دادن» و «معنادادن» گرفته شده است و در زبان عربی «علم الدلالة» یا «علم المعنی» نامیده می‌شود (عباسی و پور افخم، «کاربرد معناشناسی...» (۱۳۹۰: ۱۱۶). این روش با بررسی ابعاد متفاوت یک مفهوم و شناسایی عناصر و بنیادهای معنایی و کشف روابط ساختاری درهم‌تنیده حاکم بر آن، درصدد دستیابی به معنای موردنظر آن از دیدگاه قرآن کریم است (داودی مقدم و همکاران، «تحلیل عناصر معنایی...» (۱۳۹۵: ۱۶۰). این علم به مطالعه علمی معنا می‌پردازد. منظور از مطالعه علمی معنا توصیف پدیده‌ها در چارچوبی به‌دور از هرگونه پیش‌انگاری است؛ به‌گونه‌ای که بتوان درستی و یا نادرستی آن را مورد ارزیابی قرارداد (شریفی، «نقد و بررسی آرای ایزوتسو...» (۱۳۹۲: ۸۳). معنی و مفهوم کلمات را باید با توجه به شرایطی که آن کلمات ادا می‌شوند، مشخص نمود. در نتیجه، معنی هر سخنی با توجه به موضوع گوینده و شنونده تغییر می‌کند. معناشناسی را می‌توان عبارت از: مطالعه علمی معنای مراد و لوازم آن درگذر تاریخ یا متن و دوره خاص دانست.

در این مجال، شجاعت را به‌عنوان یک حوزه معنایی در نظر گرفته‌ایم و با معرفی مفاهیم «هم‌نشین» و «جانشین» آن، روابط میان مفاهیم پیوسته با یکدیگر و رابطه آن‌ها را با معنای شجاعت مشخص خواهیم کرد. روابط جانشینی و هم‌نشینی، اصول ساخت درونی زبان را مشخص می‌کنند. رابطه هم‌نشینی، رابطه‌ای از نوع ترکیب است میان الفاظی که در یک زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (امانی و همکاران، «مطالعه حوزه‌های معنایی «صبر» در آیات قرآن»، (۱۳۹۵: ۱۴۶). رابطه جانشینی نیز رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی، میان هر یک از الفاظ یک زنجیره کلامی با الفاظی است که می‌توانند جایگزین آن‌ها شوند.



طبق نظریه حوزه معنایی، واژگان یک زبان در حوزه‌های لغوی یا مفهومی سازمان می‌یابند و اقلام داخل هر حوزه نسبت به هم از ساختار لغوی منسجمی برخوردارند. این روش در بررسی پاره‌ای از حوزه‌های معنایی با موقعیت به‌کاررفته است و این نظریه در مطالعه ساختار معنایی واژگان یک زبان و تعیین حدود معنایی عناصر لغوی آن بسیار مفید است؛ زیرا هر واژه بخشی از معنای خود را از وجود دیگر واژه‌های هم‌حوزه خود اخذ می‌کند. در نتیجه، اگر رابطه لفظ - معنا (دال - مدلول) را یک واحد معنایی بدانیم، حوزه معنایی را می‌توانیم مجموعه‌ای از واحدهای معنایی به‌شمار آوریم که در یک وجه مشترک گرد آمده‌اند.

اشتراک در یک شرط، سبب طبقه‌بندی واحدهای معنایی در یک حوزه معنایی می‌گردد. برای مثال، واژه‌های معرف گناه در قرآن از واحدهای «ذنب، اثم، سیئه، خطیئه، جناح، فحشاء، منکر، سوء و فسق» تشکیل شده است، چنان‌که نام حکمت در قرآن کریم نیز نمونه روشنی از یک حوزه معنایی است. وجه مشترک میان واحدهای این حوزه معنایی در این است که همگی واحدهای یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهند که در رابطه متقابل با یکدیگر، چنین واحدهایی به‌دلیل ویژگی مشترک خود هم‌حوزه به‌حساب می‌آیند و نیز در حوزه معنایی خود در تباین معنایی با یکدیگر می‌باشند (امانی و همکاران، «مطالعه حوزه‌های معنایی «صبر» در آیات قرآن»، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

در این میان می‌توان در معناشناسی ساختارگرایانه به‌نوعی از روابط معنایی بین واژگان اشاره کرد. این نوع از روابط به سه دسته تقسیم می‌گردند: «روابط اشتدادی»، «روابط تقابلی»، «روابط توزیعی» (سلمان نژاد، معناشناسی تدبر در قرآن ...، ۱۳۹۱: ۲۷).

روابط اشتدادی، برای دو مفهومی است که مؤلفه‌های معنایی مشترک داشته و در مقام تقویت در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند؛ البته هم‌پوشانی این نوع در برخی موارد به‌صورت نسبی و در برخی موارد کامل است.

روابط تقابلی، برای دو مفهومی است که مؤلفه معنایی مشترک دارند ولی با یکدیگر در تناقض بوده و در مقام تضعیف و نفی یکدیگر هستند. این نوع از کلمات در عین اتحاد در کلیت معنا، از دیگر جهات با یکدیگر فرق دارند.

روابط توزیعی نیز در رابطه با مفاهیمی است که در یک حوزه معنایی می‌باشند اما قلمروهای معنایی متمایزی از یکدیگر دارند.



بدون شک فهم معانی و مفاهیم دینی بدون شناخت و درک معانی واژگان، ممکن نیست. در قرون اخیر نیز پژوهشگران زبان‌شناسی، به‌ویژه علاقه‌مندان به معناشناسی، تلاش کرده‌اند تا با استفاده از نظریه‌ها و الگوهای معناشناسی، از منظر روابط مفهومی و هم‌نشینی به بررسی و تحلیل ساختار واژگان بپردازند؛ از این رو پژوهش‌هایی در این باره انجام گرفته است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

قراملکی، فقهی زاده و قاسم احمد (۱۳۹۶) در پژوهشی به‌عنوان «مؤلفه‌های معنایی ماده «کرم» بر اساس معناشناسی ساختاری و رویکردهای تحلیلی - منطقی» با کمک گرفتن از روش معناشناسی ساختارگرایانه توانستند علاوه بر کشف معنای ماده «کرم» در قرآن کریم با دسته‌بندی هم‌نشین‌ها و جانشین‌های این ماده در دو گروه مصادیق و مفاهیم، آن را دسته‌بندی کنند. باقری و قراملکی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تحلیل انتقادی دیدگاه ملاصدرا درباره «خزائن» در پرتو معناشناسی ساختاری» با استفاده از روش معناشناسی ساختاری نشان داده‌اند که صدرالمتهالین در مواجهه با این واژه قرآنی بیش از ارائه تفسیر فلسفی، به فلسفه‌ورزی مبتنی بر تفسیر پرداخته است که می‌توان آن را «فلسفه تفسیری» نامید. آینه‌وند و نیازی (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان «معناشناسی اسماء الحسنى» به بررسی روابط معنایی اسماء و رابطه‌های هم‌معنایی و چندمعنایی اسماء پرداخته است. راد و نساج (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «معناشناسی واژه «اخبار» با توجه به آیات و روایات» با بررسی و تجزیه تحلیل روابط معنایی واژه مخبتین جایگاه ویژه‌ی مخبتین در میان مسلمانان را نشان داده است. خوش‌خرام، احمدی و رفیعی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ساخت پرسش‌نامه اولیه شجاعت بر اساس منابع اسلامی» مفهوم شجاعت و مفاهیم مرتبط در منابع معتبر اسلامی مورد شناسایی، دسته‌بندی و تحلیل مفهومی قرار داده‌اند. صادقی و جلالی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش سه حکیم مسلمان به فضایل چهارگانه؛ ابن مسکویه، خواجه نصیر و جعفر کشفی» به بررسی معنایی فضایل چهارگانه حکمت، شجاعت، عفت و عدالت از منظر سه دانشمند مسلمان به نام‌های ابن مسکویه، خواجه نصیر و جعفر کشفی مورد بررسی قرار داده‌اند. آذرگین و توکلی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی و نقد معنای ایمان، شجاعت و شک وجودی در اندیشه تیلش» مفاهیم ایمان و شجاعت را از منظر پل تیلش، یکی از تأثیرگذارترین متکلمان و فیلسوفان دین در قرن بیستم مورد بررسی قرار داده است.

کاوش‌ها و بررسی‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی نگارندگان این مقاله نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی که به جست‌وجوی دامنه معنایی شجاعت با رویکرد معناشناسی ساختاری در منابع روایی پرداخته باشد انجام پذیرفته است که این مسئله نشان از نوآوری مقاله و بدیع بودن موضوع در فضای علمی کشور دارد.



معنای لغوی و اصطلاحی شجاعت

شجاعت در معنای لغوی خود به معنای دلیر شدن در کارزار است. کتب لغت‌شناسی معنی شجاعت را بدین صورت بیان کرده‌اند: «شَجَع: اَشْتَدَّ عِنْدَ الْبَأْسِ؛ وَ الشَّجَاعَةُ: شِدَّةُ الْقَلْبِ فِي الْبَأْسِ»؛ در هنگام دشواری استواری و استقامت کرد و مصدر آن به معنای استواری قلب بر دشواری است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۷۳/۸). «شَجَع: بِالضَّمِّ (شَجَاعَةً) قَوِي قَلْبُهُ وَ اسْتَهَانَ بِالْحُرُوبِ جَرَاءَةً وَ إِقْدَامًا»؛ قلب او نیرومند شد. جنگ را از روی دلیری و بی‌باکی نادیده گرفت و کوچک شمرد (فیومی، المصباح المنیر، ۱۴۱۴: ۳۰۵/۲). «الشَّيْنُ وَ الْجِيمُ وَ الْعَيْنُ، أَصْلٌ وَاحِدٌ يَدُلُّ عَلَى جُرْأَةٍ وَ إِقْدَامٍ»؛ از ریشه واحد شجع است که دلالت بر دلیری و بی‌باکی و بی‌پروایی می‌کند (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۲۴۷/۳). «رَجُلٌ شَجَاعٌ: مُقَدِّمٌ جَرِيءٌ»؛ مرد شجاع به معنای دلیر و بی‌باک است (حمیری، شمس العلوم ...، ۱۴۲۰: ۳۳۸۳/۶).

شجاعت در معنای اصطلاحی بیشتر در علم اخلاق به کار می‌رود و یکی از کیفیات نفسانی است؛ زیرا حکمای پیشین سعادت را فقط مربوط به نفس دانسته و برای بدن و جسم نصیبی از آن قائل نشده‌اند و لذا بالاتفاق گفته‌اند: سعادت مشتمل بر چهار جنس فضیلت حکمت، شجاعت، عفت و عدالت است. در علم النفس برای نفس سه قوه متباینه شمرده‌اند: قوه ناطقه، قوت غضبی، قوت شهوانی. قوت غضبی که آن را نفس سبعی نیز گویند مبدأ خشم و دلیری و اقدام بر احوال و شوق تسلط و ترفیع و مزید جاه باشد و هرگاه حرکت نفس سبعی به اعتدال بود و نفس ناطقه را انقیاد نماید تا در امور هولناک مضطرب نشود و اقدام بر حسب رأی او کند، شجاعت حاصل آید (خواجه طوسی، اخلاق ناصری، ۱۴۱۳: ۴۸ و ۷۱). در نتیجه شجاعت در معنای اصطلاحی اعتدال در قوه غضبیه بوده و حد وسط جبن و تهور است. ملاصدرا در تعریف آن گوید: «و أما قوة الغضب فيعبر عن اعتدالها بالشجاعة فإن مالت إلى طرف الإفراط سمي تهورا وإن مالت إلى النقصان سمي جينا؛ حالت اعتدال در قوه غضب را شجاعت می‌گویند که اگر به جانب افراط منحرف شود تهور و اگر به جانب تفریط منحرف گردد ترس نامیده می‌شود» (صدرالمتألهین، الحکمة المتعالیة، ۱۹۸۱: ۹۰/۹). خواجه طوسی گوید: شجاعت آن است که نفس غضبی نفس ناطقه را انقیاد نماید تا در امور هولناک مضطرب نشود و اقدام بر حسب رأی او کند تا هم فعلی که کند جمیل شود و هم شجاعتی که نماید محمود باشد و انواعی که در تحت جنس شجاعت است یازده نوع است: کبر نفس، نجدت، بلندهمتی، ثبات، حلم، سکون نفس، شهامت، تحمل، تواضع، حمیت، دقت (خواجه طوسی، اخلاق ناصری، ۱۴۱۳: ۷۴ و ۷۶).



هم‌نشینی‌ها و جانشین‌های ماده شجاعت

روابط جانشینی بین دو واژه، به معنای تطابق کامل معنای آن دو نیست؛ بلکه می‌توان گفت که این واژگان توان هم‌پوشانی در قسمتی از دامنه‌های معنایی یکدیگر را دارا هستند. این اشتراک معنایی، فرصت بهره‌مندی این واژگان از مؤلفه‌های معنایی مختص به آن‌ها را در منابع دینی فراهم می‌آورد.

الف. روابط تقابلی

در این بخش مفاهیمی که با مفهوم شجاعت دارای رابطه تقابلی هستند مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مفاهیم با مفهوم شجاعت، مؤلفه معنایی مشترک دارند اما در عین حال با یکدیگر در تناقض بوده در مقام تضعیف و نفی یکدیگر هستند. این نوع از کلمات در عین اتحاد در کلیت معنا با مفهوم شجاعت، از دیگر جهات با این مفهوم تفاوت دارند.

یک. ترس

چنین در طرف تفریط شجاعت است؛ یعنی ترسویی و اجتناب از کارهایی که باید به آن‌ها اقدام کرد. در روایات معصومان علیهم‌السلام ترس با شجاعت رابطه تقابلی دارد. به‌طور مثال امیرمؤمنان می‌فرماید: «لَوْ تَمَيَّرَتِ الْأَشْيَاءُ لَكَانَ الصِّدْقُ مَعَ الشَّجَاعَةِ، وَكَانَ الْجُبْنُ مَعَ الْكُذْبِ»؛ اگر اشیاء از یکدیگر جدا شوند صدق با شجاعت خواهد بود و ترس همواره با کذب خواهد بود (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶: ۴۱۷). همچنین ایشان در روایت «الشَّجَاعَةُ عِزٌّ حَاضِرٌ، الْجُبْنُ ذُلٌّ ظَاهِرٌ» (آقا جمال خوانساری، شرح غرر الحکم، ۱۳۶۶: ۵۲) به بیان تقابل میان شجاعت و ترس پرداخته‌اند و فرموده‌اند که شجاعت، عزتی آماده و ترس ذلتی آشکار است.

دو. عدم دوراندیشی

مفهوم «إِضَاعَةٌ» که در برخی روایات بدان اشاره شده است با شجاعت رابطه تقابلی دارد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «أَفَةُ الشَّجَاعَةِ إِضَاعَةُ الْحَزْمِ» (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶: ۱۸۲)؛ آفت شجاعت، فرو گذاشتن دوراندیشی و عدم احتیاط است. در اینجا مفهوم «شَّجَاعَةٌ» و مفهوم «إِضَاعَةٌ» دارای مؤلفه معنایی مشترک هستند؛ اما در مقام تضعیف یکدیگر هستند و با همدیگر در تناقض می‌باشند. روایت عدم دوراندیشی را عامل از بین برنده شجاعت می‌داند و در واقع در صدد بیان نوعی آفت و آسیب برای شجاعت است که شجاعت را از حد اعتدال خارج کرده و در درجه‌ای افراط‌گونه قرار می‌دهد.



ب. روابط توزیعی

در روابط توزیعی مفاهیم در یک حوزه معنایی قرار دارند ولی قلمروهای معنایی آنها از یکدیگر متفاوت است و دارای قلمروهای معنایی متمایزی نسبت به یکدیگر می‌باشند. در این بخش به مفاهیمی که دارای این ویژگی بوده یعنی با مفهوم شجاعت در یک حوزه معنایی قرار دارند اما قلمروهای معنایی آنها متفاوت است مانند فضیلت، ایستادگی و نصرت اشاره می‌شود.

یک. فضیلت

فضیلت با شجاعت رابطه توزیعی دارد. در این خصوص مولای متقیان علی علیه السلام بیان می‌دارند: «الشَّجَاعَةُ نُصْرَةٌ حَاضِرَةٌ وَفَضِيلَةٌ ظَاهِرَةٌ» (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶، ۵۰)؛ یعنی شجاعت، نصرتی نقد و فضیلتی آشکار است. در این روایت حضرت علی علیه السلام شجاعت و فضیلت را در کنار یکدیگر استفاده کرده‌اند و دو مفهوم در یک حوزه معنایی قرار دارند اما قلمروهای معنایی آنها از یکدیگر جدا است. در واقع هیچ‌گاه نمی‌توان این دو مفهوم را در یک قلمرو معنایی قرارداد و هیچ‌گاه نمی‌توان از مفهوم فضیلت به جای مفهوم شجاعت بهره برد.

دو. ایستادگی

با بررسی روایات به‌خوبی آشکار می‌شود که مفهوم ایستادگی با مفهوم شجاعت رابطه توزیعی دارد. «أَجْوِبَةُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع عَنْ مَسَائِلٍ ... قِيلَ فَمَا الشَّجَاعَةُ قَالَ مُوَاقَفَةُ^[۵] الْأَقْرَانِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ الطَّعَانِ» (حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴: ۲۲۶)؛ امام حسن علیه السلام در پاسخ به این سؤال که شجاع چیست؟ فرمودند: ایستادگی در مقابل حریف و پایداری در نبرد. همچنین در روایتی دیگر امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «الْعَجْزُ آفَةٌ وَالصَّبْرُ شَجَاعَةٌ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۴۹)؛ ناتوانی آفت است و صبر شجاعت است. حضرت در این روایات به‌نوعی شجاعت را تعریف می‌کنند: ایستادگی در برابر هموردان و پایداری در نبرد؛ بنابراین شجاعت همواره در فضایی معنا می‌یابد که نبرد و هموردی وجود داشته باشد به‌طوری‌که اگر انسانی در میدان نبرد و در عرصه کارزار برابر همورد از خود ایستادگی و پایداری نشان دهد به این معناست که او انسان شجاعی است.

سه. نصرت

در روایات معصومان علیهم السلام، مفهوم نصرت با مفهوم شجاعت رابطه مکملی دارد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «الشَّجَاعَةُ نُصْرَةٌ حَاضِرَةٌ وَفَضِيلَةٌ ظَاهِرَةٌ» (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶: ۵۰)؛ شجاعت، نصرتی نقد و فضیلتی آشکار است. حضرت در عبارت مزبور این معنا را بیان می‌کنند



که انسان شجاع نیاز به یار و یاور برای دفاع از خود در برابر دشمن ندارد و همین خصلت شجاعت به مثابه یاور برای او به حساب می‌آید. یآوری که همیشه حاضر است و انسان شجاع او را همواره به همراه خود دارد.

ج. روابط اشتدادی

در اینجا به آن دسته از مفاهیمی خواهیم پرداخت که با مفهوم شجاعت، مؤلفه‌های معنایی مشترکی دارند و در مقام تقویت در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

یک. صداقت

در روایات معصومان علیهم‌السلام صداقت با شجاعت رابطه اشتدادی دارد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «و تَمَيَّرَتِ الْأَشْيَاءُ لَكَانَ الصَّدْقُ مَعَ الشَّجَاعَةِ» (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶: ۴۱۷)؛ اگر خصلت‌ها از یکدیگر متمایز می‌شدند، بیگمان راستی با شجاعت بود. چنانچه از این روایت برمی‌آید راست‌گویی از لوازم شجاعت است. طبعاً شجاعت چه در ذات انسان باشد و چه انسان آن را در طول حیات خود کسب کند سبب می‌شود تا فرد واقعیت‌ها را بگوید. باید به این امر توجه کافی داشت که صداقت در تمام امور و رخدادهای حیات نیازمند به شجاعتی بی‌بدیل است. فردی که از نیروی درونی شجاعت برخوردار است برای رسیدن به اهداف خود نیازی به دروغ‌گفتن ندارد؛ زیرا این انسان ترسو است که از رخدادهای ناشی از عمل خود می‌ترسد و نسبت به آن نگرانی دارد.

دو. از خودگذشتگی

در روایات معصومان علیهم‌السلام از خودگذشتگی با شجاعت رابطه اشتدادی دارد. در این خصوص امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «جُبِلَتِ الشَّجَاعَةُ عَلَى ثَلَاثِ طَبَائِعٍ، لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ فَضِيلَةٌ لَيْسَتْ لِلْآخَرَى: السَّخَاءُ بِالنَّفْسِ...» (حرانی، تحف العقول، ۱۳۶۳: ۳۲۲)؛ شجاعت بر سه طبع «از خودگذشتگی»، «تن‌دادن به حقارت و ذلت» و «به‌دنبال نام‌بودن» سرشته شده که هر یک از آن‌ها دارای فضیلت و علیه‌السلام ارزشی است که طبع دیگر عاری از آن است. اگر این سه طبع در آدم شجاع به‌طور مساوی و تام وجود داشته باشند، جوانمردی است که رقیب ندارد و در دوران و عصر خود به جوانمردی مشهور باشد و اگر یکی از این طبایع در او بیشتر از دیگری باشد شجاعت او در آن طبع بیشتر و اقدامش در آن شدیدتر خواهد بود. این روایت سه خصلت مذکور را به‌عنوان عوامل مؤثر در به‌وجود آمدن خصلت شجاعت در افراد عنوان می‌کند به‌طوری‌که اگر این صفات در آدم شجاع به‌طور یکسان و کامل وجود داشته باشند شجاعت او کامل و در بالاترین سطح خواهد بود.



سه. ذلت گریزی

با توجه به دلالت روایات مربوطه مفهوم ذلت گریزی با مفهوم شجاعت رابطه اشتدادی دارد. در برخی روایات از فرد شجاع به عنوان فردی عزیز نام برده شده است که تن به ذلت نمی دهد و در واقع شجاعت درونی او، او را از پذیرش ذلت بازمی دارد. (حرانی، تحف العقول، ۱۳۶۳: ۳۲۲). در روایتی از امام علی (علیه السلام) نیز این چنین آمده است: «الشَّجَاعَةُ عِزٌّ حَاضِرٌ» (تمیمی آمدی، غررالحکم، ۱۴۱۰: ۳۸)؛ یعنی شجاعت، عزتی نقد است. همچنین در روایتی دیگر ایشان می فرمایند: «الشجاعه احد العزین» (همان، ۸۸)؛ شجاعت و از دشمنان نهراسیدن یکی از دو عزت است. اینکه حضرت شجاعت را عزتی نقد می دانند اشاره به این واقعیت دارد که هر کس انسان شجاعی باشد در واقع در همان لحظه احساس عزت را نیز با خود به همراه دارد. به عبارت دیگر این روایت بیانگر این نکته است که عزت از پیامدهای شجاعت است.

چهار. ناموری

در برخی از روایات شجاعت در کنار ناموری به نحوی به کار رفته است که می توان ارتباط اشتدادی میان این دو مفهوم را کشف کرد و به طور مثال در این روایت بیان گردیده است که شجاعت و ناموری بر طبعی واحد سرشته شده اند (حرانی، تحف العقول، ۱۳۶۳: ۳۲۲). بر این اساس مفهوم شجاعت و مفهوم ناموری دارای مؤلفه های معنایی مشترک هستند و در مقام تقویت در کنار همدیگر قرار می گیرند.

پنج. غیرت

غیرت و حمیت از منظر علمای اخلاق یعنی سعی در حفظ آنچه که نگهداری اش لازم است. این خصلت در قالب مطلوبش از بزرگ منشی، شجاعت و قوت نفس انسان سرچشمه می گیرد و از جمله ملکه های نفسانی آدمی و دلیل مردانگی است (نراقی، جامع السعادات، بی تا، ۲۶۶). بروز غیرت به عنوان یک صفت درونی در انسان نیازمند پشتوانه ای به عنوان شجاعت است و در صورتی که فردی از شجاعت کافی برخوردار نباشد طبعاً نمی تواند از خود غیرت نشان دهد. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرمایند: «... شَجَاعَتُهُ عَلِيٌّ قَدْرٌ أَنْفَتِهِ» (نوری، ۱۴۰۸: ۲۲۲)؛ شجاعت یک مرد به میزان غیرت اوست. همچنین در روایتی دیگر بیان می دارند: «تَمَرَةُ الشَّجَاعَةِ الْغَيْرَةُ» (تمیمی آمدی، غررالحکم، ۱۴۱۰: ۳۲۷)؛ غیرت میوه شجاعت است. این روایات مقدار شجاعت را غیرت معرفی می کند.



شش. همت

همت از منظر لغوی به معنای عزم قوی هست (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۸: ۲۸۶/۱۱). در اصطلاح، علو همت عبارت است از: سعی و کوشش در تحصیل سعادت و کمال و طلب کردن کارهای بزرگ و عالی، بدون در نظر گرفتن سود و زیان دنیا، به طوری که به سبب دست یافتن به منافع دنیوی شادمان نشود و از فقدان آن اندوهگین نگردد؛ بلکه در طریق طلب، از مرگ و کشته شدن و مانند آن‌ها باک نداشته باشد (نراقی، جامع السعادات، بی تا، ۳۲۲). امام علی علیه السلام می فرماید: «شَجَاعَةُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ» (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶، ۲۹۸)؛ این روایت میزان شجاعت را برابر با میزان همت معرفی می کند. همت بلند یکی از نشانه‌های وجود روحی بزرگ در درون انسان است و دین اسلام، انسان‌ها را تشویق می کند که روح بلند داشته و خود را محدود به امور پست نکنند. بلندهمتی دارای نشانه‌ها و آثاری است و یکی از این نشانه‌ها بروز شجاعت در درون و برون فرد است. در واقع وجود همت خود عاملی می شود تا در مواقع لازم صفت شجاعت در درون شخص بروز کند تا بتواند به هدف خود دست یابد لذا میان شجاعت و همت رابطه نزدیکی وجود دارد؛ به عبارت دیگر با توجه به دلالت روایت مربوطه، مفهوم همت با مفهوم شجاعت رابطه اشتدادی دارد.

هفت. حمیت

با بررسی روایات به خوبی آشکار می شود که مفهوم حمیت با مفهوم شجاعت رابطه اشتدادی دارد. امام علی علیه السلام می فرماید: «عَلَى قَدْرِ الْحَمِيَّةِ تَكُونُ الشَّجَاعَةُ» (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶: ۳۲۷)؛ اندازه شجاعت به اندازه حمیت (مردانگی و ننگ از ذلت) است. این روایت حمیت که به معنای مردانگی و ننگ از ذلت است را معیار اندازه گیری شجاعت در افراد عنوان می کند. غیرت و حمیت، یعنی تلاش در نگهداری آنچه حفظش ضروری است، این صفت در قالب مطلوبش از شجاعت، بزرگ منشی و قوت نفس انسان سرچشمه می گیرد و یکی از ملکه‌های نفسانی انسان و سبب مردانگی است و مرد بی غیرت از زمره مردان خارج است. (نراقی، جامع السعادات، بی تا: ۲۶۶) آنچه در بیان این روایت نهفته است آن است که رابطه نزدیکی میان حمیت و شجاعت وجود دارد که آن‌ها را در کنار یکدیگر قرار داده است.

هشت. بخشندگی

بخشندگی عادتِ دادنِ بدونِ توقعِ جبرانِ آن از سوی طرفِ دیگر است با توجه به دلالتِ روایاتِ مربوطه، مفهوم بخشندگی با مفهوم شجاعت رابطه اشتدادی دارد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «أَشَجُّ النَّاسِ أَسْخَاهُمْ» (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶: ۱۱۷)؛ شجاع‌ترین مردم، بخشنده‌ترین آن‌هاست. این روایت بخشندگی را معیار شجاعت معرفی می‌کند به طوری که هر چه بخشندگی بیشتر باشد شجاعت بیشتر خواهد بود. این دو صفت نفسانی که با یکدیگر رابطه اشتدادی دارند در کنار یکدیگر محبت الهی را به ارمغان می‌آورند؛ به نحوی که حضرت علی علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «السَّخَاءُ وَ الشَّجَاعَةُ عَرَائِزُ شَرِيفَةٌ يَضَعُهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ فَيَمُنُّ أَحَبَّهُ وَ اُمْتَحَنَهُ» (آمدی، غرر الحکم، ۱۳۶۶: ۳۵۷)؛ سخاوت و شجاعت خصلت‌های والایی هستند که خداوند سبحان آن دو را در وجود هر کس که دوستش داشته و او را آزموده باشد می‌گذارد.

از طرفی سخاوت و شجاعت هر دو از جمله ویژگی‌های مشترک میان انبیای الهی است که خداوند متعال این خصلت‌ها را در وجود آن‌ها قرار داده است و از آن به‌عنوان مکارم اخلاق یاد کرده است و شاهد آن روایتی از امام صادق علیه السلام است که در آن می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَصَّ رُسُلَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَأَمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ وَإِنْ لَا تَكُنْ فِيكُمْ فَاسْأَلُوا اللَّهَ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِيهَا قَالَ فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ وَ الْقَنَاعَةَ وَ الصَّبْرَ وَ الشُّكْرَ وَ الْحِلْمَ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ وَ السَّخَاءَ وَ الْغَيْرَةَ وَ الشَّجَاعَةَ وَ الْمُرُوَّةَ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵۶)؛ خدای عزوجل پیغمبرانش را به مکارم اخلاق اختصاص داد، شما خود را بیازماید، اگر آن‌ها در وجود شما هم بود، خدا را سپاس گوید و بداند که بودن آن‌ها در شما خیر شماست و اگر در شما نبود، از خدا بخواهید و نسبت آن‌ها را رغبت جوید.

نه. حلم

در روایات معصومان علیهم السلام مفهوم حلم با مفهوم شجاعت رابطه اشتدادی دارد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «أَشَجُّ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ الْجَهْلَ بِالْحِلْمِ» (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ۱۴۱۰: ۲۰۹)؛ شجاع‌ترین مردم کسی است که با حلم بر نادانی چیره آید. این روایت حلم و بردباری در برابر نادانی را معیار شجاعت معرفی می‌کند به طوری که هر چه حلم بیشتر باشد شجاعت بیشتر خواهد بود. نراقی حلم را برتر از کظم غیظ دانسته است؛ زیرا کظم غیظ از کسی سر می‌زند که هنوز به حُلُقِ حلم دست نیافته و غضب توانایی آن را دارد که در وی بروز کند، اما او با تلاش در فروخوردن آن، سعی در مهارکردن غضب دارد.



د. خردمندی

با بررسی روایات به خوبی آشکار می‌شود که مفهوم خردمندی با مفهوم شجاعت رابطه اشتدادی دارد. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «لَا أَشْجَعَ مِنَ لَيْبٍ» (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶: ۵۳۳)؛ شجاع‌تر از خردمند، وجود ندارد. این روایت خردمندی را عامل مؤثر در به‌وجود آمدن و تشدید شجاعت معرفی می‌کند.

یازده. تسلط بر نفس

با توجه به دلالت روایات مربوطه، مفهوم تسلط بر نفس با مفهوم شجاعت رابطه اشتدادی دارد. امام باقر علیه السلام بواسطه اجداد طهارینش از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ» (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳۹۴). در این روایت ارتباط میان شجاعت و غلبه بر هوای نفس بیان شده است؛ زیرا امام باقر علیه السلام در این روایت شریف می‌فرمایند شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود غلبه کند. این روایت شجاع‌ترین انسان را مسلط‌ترین آن‌ها بر نفس خویش عنوان می‌کند. خصلت غلبه بر هوای نفس در این روایت ارتباط نزدیکی با مفهوم شجاعت دارد. درواقع شجاعت فقط در تقابل بیرونی و آن‌هم برای مقابله با دشمن خارجی معنا نمی‌یابد بلکه در تقابل درونی و ایستادگی در مقابل دشمن‌های درونی از جمله هوای نفس نیز انسان نیازمند شجاعت است.

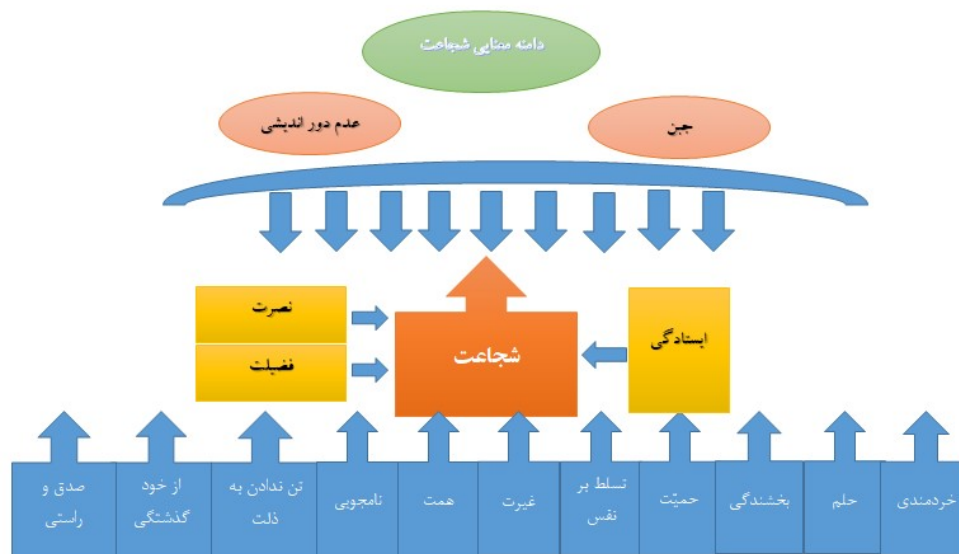
نتیجه‌گیری

قرارگرفتن یک واژه در کنار هم‌نشین‌های آن منجر به فهم بهتر آن واژه می‌گردد؛ زیرا لفظ می‌تواند با قرارگرفتن در کنار هر هم‌نشین، معنایی خاص به خود بگیرد. با توجه به محور هم‌نشینی، به معنای لفظ پی می‌بریم و با توجه به محور جاننشینی، به مترادفات و الفاظ هم‌معنای کلمه موردنظر می‌توان رسید که درواقع، تداعی‌گر معنای خود کلمه یا مفاهیم نزدیک به آن هستند. این پژوهش معناشناسی واژه شجاعت را با رویکرد معناشناسی ساختاری مورد بررسی قرار داد که نتایج آن در شکل شماره (۱) قابل مشاهده است. بر این اساس مفهوم «شجاعت» با مفاهیمی چون «عزت»، «صدق و راستی»، «از خودگذشتگی»، «تن ندادن به ذلت»، «نامجویی»، «همت»، «غیرت»، «تسلط بر نفس»، «حمیت»، «بخشنده‌گی»، «حلم» و «خردمندی» رابطه اشتدادی دارد. مفاهیم «نصرت»، «فضیلت» و «ایستادگی» با مفهوم «شجاعت» رابطه توزیعی دارند. از طرفی، مفهوم «شجاعت» با مفاهیمی مانند «جبن» و «بی‌باکی»، «دروغ‌گویی» و «بی‌احتیاطی» رابطه تقابلی دارد.

در یک جمع‌بندی در مورد دامنه معنایی واژه شجاعت باید گفت با توجه به احادیث، شجاعت از جنس عزت، نصرت و ایستادگی است. از جنس عزت بوده، از آن جهت که فرد شجاع در خود چنان عزت و عظمتی احساس می‌کند که از هرگونه کاری که کرامت و عزت او را پایمال کند - که در رأس آن‌ها کذب و دروغ‌گویی است - پرهیز می‌کند و به همین دلیل است که شجاعت با صدق و راستی همراه است و مفهوم مخالف شجاعت یعنی جبن و بزدلی مقرون به کذب و دروغ است. در واقع از نظر معنایی عزت پلی برای پیوند شجاعت با صدق و راستی است. از جنس نصرت بوده، از آن جهت که شجاعت واقعی تنها مخصوص مردان خداست و اگر کسی دارای شجاعت است با دستگیری خداوند و اولیاء اوست که به این مقام رسیده است. انسان شجاع در میدان کارزار و نبرد، با توجه به خصیصه شجاعت خود نیازی به یار و یاور ندارد و همین موهبت الهی به‌مثابه یآوری حاضر همیشه همراه اوست. از جنس ایستادگی بوده، از آن جهت که کسی که دارای شجاعت است، همواره برای رسیدن به اهداف خود در میدان‌های مختلف نبرد پایداری و ایستادگی را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد.

هر فردی می‌تواند میزان شجاعت خود را با توجه به سایر ویژگی‌های خودارزیابی کند و به خودشناسی در این بُعد برسد. از خودگذشتگی، تن‌ندادن به ذلت، نام‌جویی، غیرت، همت و حمیت از جمله این ویژگی‌ها است. خصلت زیبای انسانی نیز مانند سایر خصلت‌های انسانی آفاتی دارد. جبن و عدم دوراندیشی از این جهت که باعث افراط و تفریط در این فضیلت انسانی می‌شوند از جمله آفات آن محسوب می‌شوند.

در مباحث تربیتی فردی که در درون خود خصلت شجاعت را ملکه کرده باشد، می‌توان از آن انتظار داشت تا خصلت‌هایی همچون صداقت، غیرت، همت و... که با مفهوم شجاعت رابطه اشتدادی دارند را در مواقع ضروری از خود بروز دهد. از طرفی تمامی خصلت‌هایی که به لحاظ مفهومی با مفهوم شجاعت رابطه اشتدادی دارند، میان آن‌ها و شجاعت نوعی تأثیر و تأثر وجود دارد که ثمره آن در مباحث تربیتی آشکار می‌شود؛ به‌طور مثال می‌توان با تمرکز بر خصلت شجاعت و تقویت آن خصلت‌هایی همچون عزت، همت، حلم، بخشندگی و... را در وجود فرد تقویت کرد. چنین می‌توان فردی که دارای خصلت شجاعت است را از آفاتی چون بی‌باکی، عدم دوراندیشی، دروغ‌گویی آگاه کرده و بر حذر داشت تا از آفات آن در امان بماند.



شکل شماره (۱). دامنه معنایی مفهوم شجاعت



پی نوشتها

- [۱] الشجاعة: شِدَّةُ الْقَلْبِ فِي الْبَأْسِ.
- [۲] السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَطَلَ الْمُسْلِمِينَ.
- [۳] يَا أَبْطَالَ الصِّفَا، وَفُرْسَانَ الْهَيْجَاءِ، مَالِي أَنْادِيكُمْ فَلَا تُجِيبُونِي وَادْعُوكُمْ فَلَا تَسْمَعُونِي؟!]
- [۴] السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ السَّادَاتِ السَّلَامُ عَلَي لُيُوثِ الْغَابَاتِ.
- [۵] وَاقْفَهُ مُوَاقِفَةً وَوَقَافاً: وَقَفَ مَعَهُ فِي حَرْبٍ؛ دَرِ جَنْگِ دَرِ بَرَابَرِ اَوِ اِیستادگی کرد (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۳۶۰/۹).



منابع

۱. حرانی، (ابن شعبه)، حسن بن علی، تحف العقول، محقق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ق.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، مکتب الاعلام الاسلامی، قم: ۱۴۰۴ق.
۳. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير (لابن المشهدی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
۴. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۸، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۵. امانی، رضا، عبادی، زهرا، رضایی، صدیقه؛ مطالعه حوزه‌های معنایی «صبر» در آیات قرآن، مجله معارف قرآنی، شماره ۲۵، ۱۳۹۵ش.
۶. آقا جمال خوانساری، محمدحسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، محقق: جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، محقق: سید مهدی رجائی، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۸. حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمومنین (علیه السلام)، محقق: علی عاشور، دارالنشر اعلمی، بیروت: ۱۴۲۲ق.
۹. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الكلوم، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۲۰ق.
۱۰. خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۱. داودی مقدم و همکاران، تحلیل عناصر معنایی واژه اخلاقی ایشار در قرآن کریم، مجله پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۲۴، ۱۳۹۵ش.
۱۲. سلمان نژاد، مرتضی، معناشناسی تدبر در قرآن با سه رویکرد ساختاری، ریشه‌شناسی و تاریخ انگاره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۱ش.
۱۳. شریفی، علی، نقد و بررسی آرای ایزوتسو در حوزه معناشناسی قرآن کریم، حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳، ۱۳۹۲ش.



۱۴. شهید اول، محمد بن مکی، المزار (لشہید الاول)، مدرسہ امام مہدی (علیہ السلام)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. صدر المتألهین، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۹، دار احیاء التراث، چاپ سوم، بیروت، ۱۹۸۱ م.
۱۶. صدوق، محمد بن علی، امالی، تهران، ناشر کتابچی، ۱۳۷۶ ش
۱۷. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفار، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. عباسی، مهرداد؛ پورافخم، مریم، «کاربرد معناشناسی در زمانی در تبیین مفاهیم اعتقادی قرآن: مفهوم الله از نگاه ایزوتسو»، صحیفه مبین، شماره ۴۹، ۱۳۹۰ ش.
۱۹. علم الهدی، علی بن الحسین، رسائل الشریف المرتضی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق.
۲۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، مفاتیح الشرائع، محقق: سید مہدی رجائی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ ق.
۲۱. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، مؤسسہ دارالہجره، قم: ۱۴۱۴ ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الإسلامیة، تهران: ۱۴۰۷ ق.
۲۳. لثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، محقق: حسین حسنی بیرجندی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، محقق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. محمدی ری شہری، محمد، میزان الحکمه، تهران: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش.
۲۷. مدرس، سید محمدتقی، علی الأكبر سلیل الحسین (علیہ السلام)، تهران: دارالبقیع، ۱۴۱۸ ق.
۲۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش
۲۹. نراقی، مہدی بن ابوذر، جامع السعادات، بیروت: تحقیق: محمد کلانتر، نجف، بی تا.